



محمدرضا نجفی منش

عضو کمیسیون صنعت
و معدن اتاق بازرگانی تهران

از بین بردن تضاد منافع بخش معدن و صنایع معدنی با اجماع عمومی

نظرات متفاوتی در خصوص وضع عوارض بر صادرات مواد معدنی وجود دارد. یک عده می گویند این کار باعث می شود ارزش افزوده بالاتری در داخل کشور تولید شده و در نهایت مصوبه دولت به سود تولیدات داخلی و صنایع معدنی رقم بخورد، عده‌ای نیز نظر متفاوتی دارند. در جلسه‌ای که در همین رابطه با مسئولان وزارت صمت داشتیم بیان شد که صادرات مواد اولیه با قیمت ارزان باعث سود رقیبای ما در منطقه و زیان ما می‌شود. برای مثال، رقیبای ما در منطقه مثل کشور ترکیه مواد اولیه را از صادر کنندگان ما می‌خرند و در مناقصات بزرگ شرکت می‌کنند. بعد، این مواد تبدیل به محصول شده و با ارزش افزوده و قیمت بالاتر در عرصه جهانی عرضه می‌شود. باید اذعان کرد که در خصوص این مسئله در داخل کشور تضاد منافع وجود دارد. برای رسیدن به یک نتیجه‌گیری درست، باید کاری کنیم منافع ملی در تصمیم‌گیری‌ها در اولویت باشد. ممکن است منفعت یک طیف در صادرات مواد معدنی به صورت خام باشد و منافع طیف دیگر در محدود کردن صادرات. اما آنچه اهمیت دارد، منافع ملی است. در حال حاضر بازار داخل به این محصولات نیاز دارد و صادرات آن باعث کاهش توان رقابتی تولید داخل می‌شود. هیچ قانونی نباید باعث تضعیف توان تولید کنندگان داخلی به ویژه صنایع پایین دست شود. البته وضع عوارض ۲۵ درصدی بر صادرات صنایع معدنی نباید اثرات منفی بر اشتغال کارگران معدن داشته باشد، اما معدنکاران باید توجه داشته باشند اشتغال زمانی از میان می‌رود و نیروی کار زمانی تعدیل می‌شود که قدرت رقابت از میان برود. زمانی که با تصویب این قانون، صنایع پایین دستی قوی می‌شوند، اشتغال در این صنایع رونق می‌گیرد و نهایی آن‌ها به مواد اولیه بیشتری نیاز پیدا می‌کنند و معدن فعال‌تر می‌شوند. آنچه در حال حاضر به اشتغال کشور صدمه زده، از بین رفتن توان رقابتی است. اگر صنایع فولاد، پتروشیمی، مس و آلومینیوم سود ۶۰ و ۷۰ درصدی دارند و این سودآوری با سود و منفعت صنایع پایین دستی و معدن کشور در تضاد است، باید برای حل این مشکل فکر اساسی کنیم. شاید نیاز باشد یک نشست عمومی به این منظور با تمامی ذی‌نفعان، نه فقط صنایع پایین دستی بر گزار شود و با اجماع عمومی در این رابطه تصمیم بگیریم. از طرفی قوانین نباید آنی و لحظه‌ای باشند. برای مثال، اگر قرار است این قانون به تصویب برسد، لازم است از چهار ماه پیش به معدن اعلام کنند اگر قرارداد یا تعهدی دارند، انجام دهند، در غیر این صورت به زیان معدن است.



هشدار درباره ریزش اشتغال در معدن

چرا برخی کارفرمایان و کارآفرینان بخش معدن با وضع عوارض جدید بر صادرات مواد معدنی مخالف‌اند؟



گزارش



مجتبی کاوه

روзнаه‌نگار

پاییز در حالی آغاز می‌شود که اشتغال و معیشت حدود ۷۰ هزار کارگر معدن کشور -کارگرانی که آن‌ها را با سروروی دوده گرفته و گردوخاکی، در حالی که ماسک بر دهان و کلاه ایمنی بر سر دارند، نماد امرامعاش پُر زحمت و طاقت‌فرسا می‌شناسیم- بدون آنکه چندان باخبر باشند، در حال تهدیدشدن است. این تعداد کارگر معدن، دستمزد خود را در افزون بر سه هزار و ۳۰۰ معدن در سراسر ایران -که بیش از ۶۰ درصد آن‌ها را معدن سنگ آهن تشکیل می‌دهد- اغلب از کاری سخت و زیان‌آور با حداقل دستمزد (دستمزد کارگران معدن در سطح حداقل‌های وزارت کار است) کسب می‌کنند. می‌توان گفت معدن سهمی حدود چهار درصدی در اشتغال کل کشور دارند. تهدیدی که اشتغال کارگران معدن با آن مواجه شده است یکی دیگر از مسائل عدید و پیچیده اقتصاد ما به‌شمار می‌رود که در این گزارش سعی در واکاوی ابعاد مختلف آن داریم. ماجرای این تهدید، تصمیمی است که مدت‌ها بر سر آن بین معدن‌داران، دولت و زنجیره صنایع تغذیه‌کننده از معدن بحث و چالش بوده است. این تصمیم، یعنی وضع عوارض ۲۵ درصدی بر صادرات مواد خام معدنی و در راس آن‌ها سنگ آهن، پیشنهادی است که از سوی وزارت صمت به‌منظور جلوگیری از خام‌فروشی مطرح شده و با تصویب هیئت‌وزیران از مهر ماه اجرایی خواهد شد. همان‌طور که سیف‌الله امیری، مدیر کل دفتر صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز اظهار کرده، هدف این مصوبه، ایجاد ارزش افزوده بیشتر و تأمین نیاز واحدهای داخل کشور است که باید در اولویت باشند. برخی کارشناسان نیز معتقدند عدم اخذ این عوارض و نبود تعرفه بازدارنده، منجر به صادرات مواد خام معدنی با وجود نیاز بازار داخل شده است. این همان مصوبه‌ای است که اعتراض صاحبان معدن کوچک و متوسط را که از نظر تعداد، بیش از ۹۰ درصد معدن کشور را در بر می‌گیرند و سهمی ۷۰ درصدی در اشتغال بخش معدن دارند، برانگیخته است، به گفته محمدرضا بهرام‌ن، رئیس خانه معدن ایران، اخذ این گونه تصمیم‌ها می‌تواند شوک بزرگی به سرمایه‌گذاری در بخش معدن، خصوصاً واحدهای کوچک و متوسط فعال در بخش معدن کشور، که در شرایط کنونی نیاز به تأمین شدید نقدینگی حاصل از ارزش صادرات تولیدات متعلق به خود دارند، وارد کرده و به اشتغال کارگران این معدن آسیب جدی بزند. وی و دیگر فعالان بخش معدن، صادرات این بخش را مصداق خام‌فروشی نمی‌دانند و هشدار تعطیلی نیمی از معدن کوچک و متوسط کشور با اجرای این مصوبه و بیکاری بیش از نیمی از شاغلان این بخش را مطرح کرده‌اند. به همین منظور بهرام‌ن در نامه‌ای به محمد نهاوندیان، معاون اقتصادی رئیس‌جمهور، با اشاره به وضعیت تحریمی موجود و نیاز به ارزش حاصل از صادرات و حفظ اشتغال در معدن، خواهان بازبینی در این مصوبه شده است. سوال اساسی این است که در شرایط موجود با توجه به نیاز بازار داخل به مواد معدنی، درخواست وضع

این عوارض یا عدم آن چه تأثیری روی بازار دارد؟ آیا تأمین نیاز بازار داخل به مواد معدنی و اشتغال زنجیره تولید پایین دستی مواد معدنی در اولویت است یا حفظ اشتغال در معدن و دستیابی به ارزش حاصل از صادرات مواد معدنی؟ از سویی مسئله مهم‌تر آنکه این سیاست چطور باید اجرایی شود تا هم بازار داخلی از مواد معدنی بهره‌گیرد و هم صادرات و اشتغال شاغلان معدن حفظ شود؟

ضرورت اخذ عوارض از کل زنجیره خام‌فروشی

امیرحسین کاوه، دبیر سندیکای تولید کنندگان لوله و پروفیل که یکی از مهم‌ترین تشکل‌های ذی‌نفع معدن کشور است با دفاع از وضع عوارض بر صادرات مواد معدنی به «آتی‌نو» توضیح داد: «موضوع وضع عوارض بر صادرات مواد معدنی در کلیات، هدف بسیار مهم پیشگیری از خام‌فروشی را محقق می‌کند، اما به دلیل تأثیر شدیدی که بر تولید و اشتغال معدن و صنایع پایین دستی معدن دارد، نیازمند بررسی همه‌جانبه است. در همه جای دنیایکی از روش‌های مهم مقابله با خام‌فروشی، وضع عوارض بر صادرات خام، همچنین اخذ تعرفه است، اما آنچه کاری این دو مقوله را بالا می‌برد، وضع هم‌زمان عوارض و تعرفه است. نکته دیگر آنکه این دو، یعنی عوارض و اخذ تعرفه بر کل زنجیره مواد معدنی باشد. در حال حاضر ۳۰ درصد سنگ آهن به صورت خام صادر می‌شود که این صادرات در بخش‌های دیگر مثل فولاد خام، رقیمی قابل ملاحظه است. ۷۰ درصد فولاد به صورت خام صادر می‌شود. در حالی که صنایع پایین دستی به این مواد به عنوان مواد اولیه نیاز دارند. به نظر می‌رسد، برای وضع بهتر این عوارض باید میزان آن را بر حسب مواد معدنی تعریف کرد. برای مثال، عوارض صادراتی سنگ آهن باید ۳۰ درصد، برای بخش‌های فولادی ۱۵ درصد و برای ورق فولادی ۱۰ درصد باشد.» وی با اشاره به آثار خام‌فروشی برای اقتصاد کشور، ادامه داد: «خام‌فروشی معنایی جز از بین بردن منابع کشور ندارد و باید کاملاً متوقف شود. زمانی که سنگ آهن تبدیل به شمش خام می‌شود و آن را صادر می‌کنیم، خام‌فروشی متوقف نمی‌شود، بلکه به مرحله دیگر منتقل خواهد شد. در این حالت ما از یارانه این مواد هم استفاده می‌کنیم. در حالی که اگر عوارض بر کل زنجیره خام‌فروشی باشد، مشکلاتی از این دست پیش نمی‌آید. موضوع دیگر آن است که ما بر کل سنگ آهن تعرفه وضع نکنیم. برای مثال، بخشی از سنگ آهن در داخل کشور استفاده نمی‌شود و وضع عوارض بر آن، معنایی ندارد، جز آنکه باعث فشار بر صادرات این محصولات خواهد شد.» دبیر سندیکای تولید کنندگان لوله و پروفیل با ذکر اینکه در فرایند وضع عوارض یا تعرفه بر مواد معدنی باید به چند سوال پاسخ بدهیم، گفت: «آیا پس از وضع عوارض یا تعرفه، خریدار برای مواد در بازار جهانی به میزان کافی وجود دارد؟ این عوارض چه تأثیری روی قیمت جهانی مواد دارد، آیا باعث گران‌تر شدن این مواد و عدم

صرفه صادرات آن نخواهد شد؟ آیا خریدار خوش حساب است و پول فروشنده را می‌دهد؟ وزارت صمت باید پس از پاسخ به این سوالات، در خصوص اخذ عوارض از مواد معدنی اقدام کند، بنابر این این اقدام نیازمند نظارت بیشتر وزارت صمت و ورود جدی‌تر دولت به بازار مواد معدنی است تا شاهد اثرات منفی حاصل از این سیاست در بازار نباشیم.»

معدن کوچک و متوسط و ریزش اشتغال معدنی با اخذ عوارض

سعید صدی، رئیس کمیسیون معدن خانه اقتصاد ایران نیز در رابطه با وضع عوارض ۲۵ درصدی بر معدن، این مصوبه را به کابوسی برای بخش معدن که ریزش اشتغال را در این بخش در پی دارد، تشبیه کرد و به «آتی‌نو» گفت: «در این رابطه چند نکته قابل بحث است. اینکه مسئولان به یک شکل و با یک مینا به تمامی معدن نگاه کنند، جای آماواگرهای زیادی دارد. همه معدن قیمت تمام‌شده ثابتی ندارند. در حالی که مینای وزارت صمت که این موضوع را طرح کرده، معدن بزرگ هستند که ذخایر و شرایط منحصر بفردی از نظر شرایط اقتصادی و قیمت پایین تمام‌شده دارند. ولی اگر قرار بر این است که ما ۱۰۰ میلیون تن تولید سنگ آهن برای ۵۵ میلیون تن فولاد داشته باشیم دیگر ذخایر معدن متعارف جواب‌گو نخواهد بود. ما باید به سمت ذخایر غیر متعارف برویم که شامل ذخایر کم‌عیار، ذخایر هماتیته و ذخایر عمیق و سایر ذخایر پیچیده می‌شود. ما در حال حاضر چیزی حدود هفتصد میلیون تن ذخیره سنگ آهن هماتیته‌کی در شمال هرمزگان داریم که قطعاً این ذخایر می‌تواند پاسخ‌گوی بخش قابل توجهی از نیاز فولاد باشد. اما وقتی به صورت مصنوعی قیمت پایین می‌آید، این ذخایر کاملاً غیر اقتصادی می‌شوند. پس ذخایر کم‌عیار، معدن کوچک و متوسط که بیشتر ذخایر هماتیته و لشکری از معدن کوچک و متوسط، متأثر از این قضیه خواهند شد. همچنین معدنی که نسبت باطله آن‌ها نسبت به ماده معدنی بالاست از این مصوبه خسارت می‌بینند. برای مثال، از معدن «گل‌گهر» به‌ازای هر یک تن استخراج سنگ آهن عیار بالا، دو تن باطله استخراج می‌شود، اما ما معدنی داریم که نسبت این مواد باطله ۲۰ به یک است یعنی یک تن استخراج می‌کنیم، ۱۹ تن باطله است. ما نمی‌توانیم این ذخایر را رها کنیم. اگر قرار است صدمیلیون تن تولید سنگ آهن داشته باشیم، مثل همه جای دنیا باید به سمت ذخایر کوچک و متوسط و کم‌عیار برویم که جزء پتانسیل‌های کشور ماست. این معدن اشتغال بالا و رونق ایجاد می‌کنند، اما با این سیاست، اولاً سرمایه‌گذاری در معدن متوقف شده و روند منفی خواهد داشت و ثانیاً به تدریج با توجه به غیر اقتصادی شدن، تعطیل خواهند شد و کل اشتغال آن‌ها از بین می‌رود.»

عوارض بر معدن بزرگ وضع شود، نه معدن کوچک و متوسط

دبیر انجمن تولید کنندگان زغال سنگ ایران در ادامه اظهار کرد: «طبیعتاً اگر قرار بر این است که مالیات و عوارضی وضع شود باید



بهرام شکوری

رئیس کمیسیون معدن اتاق بازرگانی ایران

خطر از بین رفتن جاذبیت سرمایه‌گذاری در بخش معدن

وضع عوارض ۲۵ درصدی موجب تعطیلی بسیاری از معدن خواهد شد و نهایتاً رانتی را با این مصوبه برای صنایع داخلی مخصوصاً صنایع بالادستی ایجاد خواهد کرد. رانت همچون دوپینگ است که به تقویت واقعی یک بخش کمکی نمی‌کند. وقتی عوارض ۲۵ درصدی بر محصول معدنی وضع می‌کنیم، قیمت محصولات صنایع پایین دستی حداقل تا ۲۵ درصد کاهش خواهد یافت و این باعث ناعدالتی در این بخش می‌شود. بخش معدن به رغم اینکه در اول زنجیره شد و ممکن است سه، چهار ماه دیگر محصول بدهند، البته این‌ها محصولاتی هستند که در شرایط قبلی استخراج کرده‌اند، اما دیگر استخراج جدید نخواهند داشت. دوستان ما در بخش فولادسازی تصور می‌کنند با این کار قیمت تمام‌شده فولاد پایین خواهد آمد. به‌در، قیمت تمام‌شده فولاد پایین خواهد آمد، اما در بلندمدت به کوتاه‌مدت پایین خواهد آمد، اما در بلندمدت به غیر متعارف از چرخه تولید خارج خواهند شد، ما دو سال دیگر وارد کننده بزرگ سنگ آهن در کشور خواهیم شد، چرا که دیگر کسی سرمایه‌گذاری نخواهد کرد.» صدی تصریح کرد: «موضوع دیگر این است که این کار امنیت سرمایه‌گذاری را به خطر می‌اندازد. ابتدای سال یک بخش نامه صادر شده که تا چند سال در رابطه با معدن تغییری ایجاد نمی‌شود. حالا بلافاصله این مصوبه در دستور کار قرار گرفته است. مگر معدن چند درصد سود دارد که بر آن، ۲۵ درصد عوارض وضع شود و بعداً اقتصادی شوند، لذا سرمایه‌گذاری در حوزه سنگ آهن و معدن فلزی و صادراتی به شدت کاهش خواهد یافت و اشتغال در این بخش نیز روند نزولی در پیش می‌گیرد. حتی اشتغال موجود نیز با ریزش شدید مواجه می‌شود. ما نمی‌توانیم از یک سو شعار اشتغال‌زایی در بخش معدن بدهیم و از طرفی سرمایه‌گذاران را از معدن فراری دهیم.»

باز هم پای رانت در میان است؟!

رئیس کمیسیون معدن خانه اقتصاد ایران خاطرنشان کرد: «صحبت از خام‌فروشی که در توجیه این مصوبه مطرح می‌شود منطقی ندارد، چرا که اگر قرار است معدن به‌طور کلی، به‌ویژه معدن کوچک و متوسط که بیشتر در مناطق محروم و در دست واقع شده‌اند، توسعه پیدا کنند و در این مناطق اشتغال و رونق ایجاد کنند، باید تولید در این معدن به صرفه و اقتصادی شود و با این مصوبه چنین اتفاقی نمی‌افتد.» صدی در پاسخ به اینکه آیا معدن‌داران حاضر به تأمین مواد اولیه صنایع داخلی هستند تا زنجیره تولید و اشتغال آن‌ها از صادرات مواد معدنی آسیب نبیند، گفت: «اگر بنابه‌حفظ زنجیره تولید و اشتغال باشد مگر چه تفاوتی بین کارگر معدن و کارگر فولادسازی است؟ واقعاً این چه سیاستی است که ما بخش معدن را تضعیف و کارگر معدن را بیکار کنیم به این بهانه که کارگر صنایع معدنی را سرکار نگه داریم؟ سیاست درست آن است که ما بتوانیم اشتغال را در حوزه حفظ کنیم و این کار با اجرای یک سیاست متوازن و متصفانه بین هر دو بخش ممکن است. ما حاضرییم ۳۰ درصد سنگ آهن را زیر قیمت جهانی به فولادسازی‌ها بدهیم، اما مشکل اینجاست که فولادسازی‌ها به دنبال این هستند که یک‌دهم یا ۲۰ درصد قیمت را بدهند. البته دود اصلی این کار به چشم فولادسازی‌ها هم خواهد رفت. وقتی تولید سنگ آهن کم شود در آینده نیاز به واردات آن خواهد بود و آن وقت دیگر واردات سنگ آهن به این راحتی نخواهد بود.»